

بسمه تعالی

۷ مقدمه

بزرگ مردی که قدرش نشناخته‌ایم و نامش بر گوش ننواخته‌ایم و خدماتش را پاس نداشته‌ایم، اما اکنون برآنیم که با تاریخ همراه شویم و به واکاوی دوره‌ای بپردازیم که شیرمردی از تبار علویان می‌زیسته و حمله نامردان را از حریم اهل بیت علیهم‌السلام دفع می‌نموده است.

او را محدث نامیده‌اند از این رو که کلام نور اولیای الهی را اشاعه می‌داده و مردم را با احادیث نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و علوی علیه‌السلام آشنا و همراه می‌نموده و خلاصه احیا نمود میراث مکتوب شیعه را.

به همین بسنده نکرد و در طب نیز یدی طولا داشت و در آن زمینه نیز شهره شد و بدین ترتیب بر همگان عیان شد که او از نبوغ خاص برخوردار است و از نخبگان دوره خود می‌باشد.

در اینجا نیز توقف نکرد و به یادگیری زبان‌های دیگر همت گمارد و در این عرصه نیز موفق بود.

از دیار ارومیه بر دنیا قدم نهاد و آن را به قدومش مزین نمود.

۷ ولادت

دکتر سید جلال الدین حسینی اُرموی، معروف به محدث اُرموی، فرزند سید قاسم، در ماه مبارک رمضان 1323 هـ. ق (مصادف با 2 قوس 1283 هـ. ش) در ارومیه به دنیا آمد. پسر بزرگ و فرزند اول خانواده و پدرش، خرده مالک بود. وی از سنین کودکی عشق فراوان به خواندن و نوشتن داشت. در درس خواندن او، تشویق فراوان پدر بزرگش، میر عبدالله؛ بی تردید مؤثر بوده است.

۷ تحصیلات

محدث، فراگیری علم و دانش را از دوران کودکی شروع کرد و پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و فراگرفتن ادبیات فارسی به تکمیل معلومات خود پرداخت. او ادبیات عربی (صرف، نحو، معانی، بیان و عروض) و علوم اسلامی (فقه، اصول، منطق، فلسفه، حدیث و رجال) را سال‌های سال در محضر اساتید دانشور ارومیه، همچون شیخ علی خاکمردانی خویی و دیگران فرا گرفت. از آن پس، برای بهره‌گیری از حوزه علوم اسلامی مشهد مقدس، که در آن هنگام غنی و پررونق بود، به آن جا مسافرت نمود.

در بین راه عالمان شبستر از وی خواستند که سرپرستی حوزه آن شهر را به عهده بگیرد؛ ولی او نپذیرفت و به مشهد رفت. چهار سال از آن حوزه پرفیض بهره برد تا آن که قیام مسجد گوهرشاد پیش آمد. در این قیام گروهزایدی از طلاب و مردم دستگیر شدند و محدث که در مدرسه میرزا جعفر مشغول به تحصیل بود نیز به زندان افتاد.

محدث پس از آزادی از زندان به تهران بازگشت. او قصد داشت برای ادامه تحصیل به نجف برود؛ ولی در تهران به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به تبریز رفت و در دبیرستان نظام تبریز مشغول به تدریس شد. در سال 1320، با چهره نمایی عفریت جنگ جهانی دوم و افق تاریک غرب و فتنه آذربایجان، به سبب ورود روس ها به ایران، تبریز را ترک گفت و به تهران آمد و در کتابخانه ملی با سمت سرپرستی بخش نسخ خطی مشغول کار شد.

محدث به خاطر علاقه، پشتکار و جدیت فراوان، از مخزن نسخ کتابخانه ملی بهره بسیار برد و مخصوصاً چون دانشمندان به آن کتابخانه آمد و شد داشتند، نفس جمعی از آنان چون محمد قزوینی او را در کار دل گرم می کرد. او در این دوره با سید نصرالله تقوی آشنا شد و در مجالس روز جمعه او که مجالس علمی بود، شرکت جست. تصحیح و چاپ دیوان حاج میرزا ابوالفضل طهرانی نتیجه آن آشنایی و دوستی است. وی توسط مرحوم تقوی، با محمد قزوینی و پس از آن با عباس اقبال آشتیانی آشنا شد. دوستی محکم و خالصانه با سه دانشمند مذکور در کار و زندگی او تأثیر گذارده بود، به طوری که تا آخر عمر از آن یاد می کرد.

۷ خصوصیات فردی

کمتر اشخاصی با وجود شخصیت گران علمی و دانش فراوان، متواضع باقی می ماندند که مرحوم محدث از آن قبیل بودند. هیچ گاه در هیچ مجله ای مقاله ننوشت. فقط یک بار خواست تا مقاله ای بنویسد و حقیقت امر را در مورد کتابی که او تنقیح نموده بود، و شخصی به نام خود منتشر کرده بود، بشناساند که با مشورت با محمد قزوینی از آن هم صرف نظر کرد.

بنابر نقلی که از فرزند ایشان شده است حتی در انتخاب نام خانوادگی ایشان نیز رگه هایی از این فروتنی و تواضع به چشم می خورد، به طوری که نقل شده استاد ادبیات عرب ایشان در ارومیه "استاد فقید سید حسین عرب باغی" وقتی ایشان (محدث ارموی) ملبس به لباس روحانیت شدند این لقب (محدث) را برای ایشان انتخاب کردند، وگرنه فامیلی برادران ایشان تاجبخش است و پسر مرحوم نقل می کند که پدرشان می گفت: من تاجی ندارم که به کسی ببخشم بنابراین محدث مناسب تر است.

اگر از پشتکار و همت عالی او یاد کنیم باید بگوییم: او محقق تلاشگر و دارای پشتکاری عجیب بود. با این که کمتر از استاد بهره برد، به قله های رفیع علم دست یافت. برای حل مشکلات کتاب ها، روزها وقت می گذاشت. بعضی از کتاب هایی که او تصحیح کرده است سال ها طول کشیده اند؛ ولی او هرگز خسته نشد و کار را به انجام رساند. کار تصحیح «تفسیر گازر» حدود 5 سال و «نسائل الأسفار» - باحجم اندک آن - حدود سه سال طول کشیده است.

از قدرشناسی او چه گویم که: سپاس محقق از اشخاصی که از اثرشان استفاده می کند، نشان امانت داری و فروتنی است. او در تشکر از عبدالعظیم قریب و مجتبی مینوی می نویسد: نگارنده از این دواستاد محترم استفاده شایان کرده است و صریحا اعتراف می کند که اگر مساعدت ایشانمی بود تصحیح این دیوان (دیوان قوامی) به وضع حاضر برای وی میسر نمی شد... نیز در مقدمه «نقض»، از عباس اقبال بسیار تشکر می کند و از امام جمعه خوی به خاطر اشاره به حدیثی، نام می برد و سپاس خود را به او ابراز می دارد.

شخصیت علمی ایشان زمانی مشخص می گردد که روحیه نقادی ایشان ظاهر گردد. مرحوم ارموی در تصحیح تلاش داشت که متون را از تحریفات بپیراید و آن را چنان به صلاح آورَد که گویا از زیر قلم مؤلفش بیرون آمده است. او در این روش نگاه نقادانه داشت.

هم در تصحیح متن دقت کافی می کرد و هم با رعایت ادب، کارهای دیگران را نقد میکرد و با کمال ادب و احترام از آنان یاد می نمود و اشتباهات آنان را گوشزد کرد در این جا به برخی از نقدهای او اشاره می کنیم:

1. نقدی بر عباس اقبال آشتیانی (دیوان قوامی)؛
2. نقدی بر سید علیخان مدنی (دیوان قوامی ص 224-229)؛
3. نقدی بر مرحوم محدث قمی (دیوان قوامی)؛
4. بیان اشتباه عبدالعزیز جواهرالکلام (دیوان قوامی، ص 243)؛
5. بیان اشتباه حاج ملا باقر واعظ تهرانی (دیوان قوامی ص 242-241)

در محبت و علاقه به اهل بیت علیهم السلام نمونه های فراوانی قابل ذکر می باشد. یکی از نمونه ها تفسیر گازر (تصحیح آن) می باشد که جلوه های امامی و ولایی آن نورافشانی می کند.

محبت او به اهل بیت علیهم السلام بسیار بود. سه عنوان از بزرگترین آثارش (تفسیر گازر، نقض و غارات) را به امام زمان عجل الله تعالی و فرجه الشریف اهدا کرده است. او شرح دعای ندبه را به عشق اهل بیت علیهم السلام تألیف کرد.

۷ اساتید مرحوم محدث

از فرزند ایشان "میرهاشم محدث" نقل شده:

«از استادان حوزه ایشان که در ارومیه بودند، آیت الله سید علی ولدیانی و آیت الله سید حسین عرب باغی بودند و ما این دو را خوب می شناسیم چون پدرم همیشه از آن دو اسم می بردند، ولی بعد که به مشهد رفتند از استادان مسلم خود نامی نبردند.

پدر صندوق‌چه‌ای داشتند که تمام اسم استادان، خاطرات آن زمان، تقریظی که از اساتید می‌شده، و یا اجازات اجتهادی که از آن‌ها داشتند، همه در آن صندوق‌چه بود ولی متأسفانه دزدی به خانه ما آمد و صندوقچه را برد. این از قصور ماست که استادان ایشان ناشناخته هستند.»

۷ آثار

آثار استاد معمولاً در سه قالب تالیف، تصحیح و ترجمه می‌باشد که از آن قبیل می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره نمود:

^۰ تصحیح

1. تفسیر:

تفسیر «جلاءالاذهان و جلاءالاحزان» معروف به تفسیر گازر، تألیف سید غیاث الدین جمشید گازر و ابوالمحاسن بن حسن جرجانی، از تفاسیر معتبر شیعه است. این تفسیر خلاصه تفسیر ابوالفتوح رازی است که با اضافاتی نگاشته شده است. وی مطالبی از نظم و نثر و اخبار شیعه مخصوصاً راجع به فضایل سوره‌ها بر مطالب ابوالفتوح افزوده است

اهمیت تفسیر گازر: این تفسیر برای فارسی‌زبانان از نقطه نظر ملیت و فرهنگ، اهمیت‌شایان و مقام بسزایی دارد و آن به فارسی سلیس و شیرین بودن آن است. شاید این تفسیر تا حدی لطیف‌تر و شیرین‌تر از تفسیر شریف ابوالفتوح نیز باشد؛ زیرا چون بعد از آن‌نوشته شده، پخته‌تر و آسان‌تر و در بیان مراد و فهم مطالب روشن‌تر است

2. حدیث:

الف) تصحیح محاسن برقی، تألیف ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی: کتاب محاسن از کتاب‌های حدیثی معتبر شیعه است و از مصادر اصول کافی بشمار می‌رود. قاضی نور الله شوشتری معتقد است امهات کتاب‌های حدیثی معتبر شیعه است و از مصادر اصول کافی بشمار می‌رود. قاضی نورالله شوشتری معتقد است. امهات کتاب‌های حدیث امامیه را باید شش کتاب دانست که پنجمین آن محاسن برقی است. مصححدر معرفی برقی، مقدمه‌ای طولانی دارد و تصریح می‌کند: «او اولین کسی است که پرچم‌شیعه را در «ری» برافراخت.»

ب) تصحیح نشر فارسی «شهاب‌الآخبار» (کلمات قصار پیغمبر خاتم - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم -) تألیف قاضی قضای.

3. کلام:

الف) میزان الملل تألیف علی بخش میرزا قاجار، (کتابی جدلی - کلامی): این کتاب اولین کتاب چاپی محدث است که در سال (1324 ه.ش) چاپ شده است. مؤلف کتاب انگیزه خود را از تألیف، «هدایت جوانان هم مذهب و هم وطن

و تشیید پایه دین و مذهب ایشان به وسیله اثبات حقانیت دین اسلام و مذهب جعفری و نصیحت و اندرز به ایشان» (19) می‌داند.

ب) الصوارم المهرقه فی نقد الصواعق المحرقة، تألیف قاضی نورالله شوشتری: این کتاب رد «صواعق المحرقة» ابن حجر هیثمی است. شوشتری در این کتاب تنها خلافت ابی بکر را بررسی کرده است. او می‌گوید: «وقتی بطلان حقانیت ابوبکر ثابت شد، همان سخن در خلافت عمر نیز صادق است و بطلان اول لازم می‌آورد بطلان دومی را و همچنین سخن در خلافت عثمان.»

4. تاریخ:

النقض و تعلیقات آن.

5. رجال:

فهرست منتجب الدین، تألیف منتجب الدین علی بن ابی القاسم قمی: این کتاب از کتاب‌های معتبر رجالی شیعه است.

^o تألیفات

محدث ارموی در کنار سال‌ها تحقیق و تصحیح، چند کتاب نیز تألیف کرد که می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

ü کشف الکربه فی شرح دعاء الندبه؛

ü شرح بر «الأصول الأصلیه فیض کاشانی»؛

ü برگ سبز؛

ü ایمان و رجعت، در چهار جلد.

ü تشریح الزلازل بأحادیث الأفاضل؛

ü عشق و محبت؛ این کتاب‌ها تاکنون چاپ نشده است.

^o ترجمه

ترجمه «وسیلہ القربہ فی شرح الندبه» که تاکنون چاپ نشده است.

محدث ارموی به چاپ آثار ماندگار عالمان اقدام می‌کرد؛ مثلاً «الفصول الفخریه فی اصول البریه»، تألیف نسابه معروف جمال الدین احمد بن عنبه (مؤلف عمده الطالب) را، با تصحیح سید کاظم موسوی به چاپ رساند. این کتاب علاوه بر مقدمه محدث، مقدمه‌ای نیز از جلال الدین همایی دارد.

مرحوم آقا بزرگ تهرانی او را «عالم، ادیب و مصنف چیره دست» می داند. و آقا اشکوری محبت او را به اهل - بیت چنین می ستاید: آن مرحوم شدید التعصب بود در ولایت اهل بیت و معتقد بود که حق یافت نمی شود مگر در احادیث مأثوره از ایشان و اسلام صحیح ممکن نیست مگر به پیروی از ایشان و گرفتن از آن ها و برای همین سخت دفاع میکرد از مذهب اهل بیت.

۷ وفات

او سرانجام بعد از سال ها تحقیق، تصحیح و تألیف، در روز شنبه پنجم آبان ماه 1358مقارن پنجم ذی الحجه الحرام (1399 هـ.ق) بدرود حیات گفت و در جوار حرم حضرت عبدالعظیم حسنی و امامزاده حمزه موسوی، جلو مقبره ابوالفتوح رازی و نزدیک دو محدث بزرگوار، خندق آبادی و محلاتی، به خاک سپرده شد.

روحش شاد و یادش گرامی که همانا امامش را یاری رساند به جان و مال و بیانش، باشد که پادشاهان عرصه وجود (امامان دوازده گانه علیهم السلام) و سلاله هدایتگران الهی (مهدی علیه السلام) از وی راضی و خشنود گردند. ان شاء الله